

استاد مارینا

با فراسو و مارینا عربیت فراتر تر از تصوّرته

پیش به سوی قله عربی



تست های ترجمه کنکور



1) تست های مربوط به نکات ترجمه

2) تست های مربوط به لغات

توجه : برای پاسخگویی به تست های مربوط به لغات :

1) حفظ لغات عربی سال دهم – یازدهم – دوازدهم (لغات پایان هر درس ، لغات زیر نویس تمرین)

2) تسلط بر تمرین کتاب که مربوط به ترجمه لغات



نکات ترجمه (8 تست کنکور = 32%)

دانش آموز عزیز امسال در کنکور سراسری حدود 8 تست (32%) تست ها مربوط به قواعد ترجمه (نکات قاعده ای که با کمک آن ها می توان تست های ترجمه را پاسخ داد) اختصاص خواهد داشت که در اینجا کل این نکات کتاب های دهم ، یازدهم و دوازدهم را آموزش می بینیم و مفصلاً به بررسی تست می پردازیم.

1. ماضی سادہ

کَتَبَ : نوشت

اِکْتَسَبَ : بدست آورد

ظَلَمَ : ظلم کرد



2. ماضی استمراری (می)

کان + فعل مضارع

کانوا یظلمون : **ظلم می کردند**

ظلم می کنند

کان یکتب : **می نوشت**

می نویسد



3. ماضی بعید (بود)

کان + قد (دلخواه) + فعل ماضی

کانوا ظلموا: ظلم کرده بودند

کان قد کتب : نوشته بود

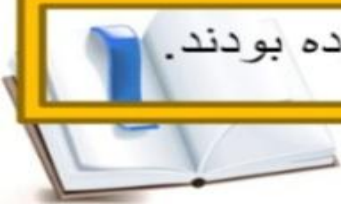


تذکر 1

در دو فرمول فوق می توانیم بین **کان** و **فعل ماضی** و **مضارع** فاصله بگذاریم به این ترتیب که فعل **کان** به **ابتدای جمله** می آوریم و به صورت **مفرد** بکار می بریم و فعل ماضی و یا مضارع را در وسط جمله و مطابق با آنچه جمله خواسته است بکار می بریم.

کان علماء العربية قد ترجموا عدداً من الكتب الفارسية الى العربية

دانشمندان عربی تعدادی از کتاب های فارسی را به عربی ترجمه کرده بودند.



تذکر 2

گاهی فعل کانَ چند بار در جمله (با فعل های ماضی و مضارع) بکار گرفته می شود که در تست ها خواهیم دید.



4. کان (به تنهایی) = بود

کان (به تنهایی) (برای صفات
خداوند) = است (مضارع)

انه کان غفوراً : او بسیار
آمرزنده است

کان (به تنهایی) = بود

کان البابُ مغلقاً : در بسته بود



5. کان + لـ

کان + لـ (داشت - داشتم - داشتی



کان لِرَجْلِ بستانَ : مردی باغی داشت



6. ماضی نقلی (است – اند – ای – اید – ام – ایم)

قد + فعل ماضی



قد ظلموا : ظلم کرده اند

قد کتب : نوشته است



تذکر

ماضی ساده و ماضی نقلی را می توانیم به جای یک دیگر ترجمه کنیم



قد کتب = کتب = نوشت = نوشته است

قد ظلموا = ظلموا = ظلم کرد = ظلم کرده است



7. فعل مضارع (مضارع اخباری فارسی)

یکتب : می نویسد

یکتسب: بدست می آورد

یظلم : ظلم می کند



8. فعل امر مخاطب (برای 6 صیغه مخاطب فعل مضارع)

(1) حرف ت را حذف میکنیم

(2) فعل را مجزوم می کنیم

(3) اگر فعل خوانده نشد همزه (أ) می گذاریم

(4) اگر

عين الفعل — ← اِ

عين الفعل — ← اُ

فعل بر وزن تَفَعَّل امر آن با اُ می آید و از باب افعال است



8. فعل امر مخاطب (برای 6 صیغه مخاطب فعل مضارع)

تَذْهَبِينَ ← إِذْهَبِي = برو (مونث)

تَذْهَبُ ← إِذْهَبْ = برو (مذكر)

تَذْهَبَانِ ← إِذْهَبَا = بروید (مونث)

تَذْهَبَانِ ← إِذْهَبَا = بروید (مذكر)

تَذْهَبْنَ ← إِذْهَبْنَ = بروید (مونث)

تَذْهَبُوا ← إِذْهَبُوا = بروید (مذكر)



8. فعل امر مخاطب (برای 6 صیغه مخاطب فعل مضارع)

تَتَوَكَّلْ ← تَوَكَّلْ = توکل کن (مذکر)

تَتَوَكَّلِينَ ← تَوَكَّلِي = توکل کن (مونث)

تُخْرِجْ ← أَخْرِجْ = خارج کن

تُدْرِسْنَ ← أَدْرِسْنَ = درس بخوانید



9. فعل امر غائب (برای 6 صیغه غائب و 2 صیغه متکلم بکار می رود)

لِ + فعل مضارع (مجزوم) (معمولا در ابتدای جمله می آید)

يَذْهَبَانِ ← لِيَذْهَبَا = باید بروند
(مذکر)

يَذْهَبُ ← لِيَذْهَبْ = باید برود
(مذکر)

يَذْهَبُونَ ← لِيَذْهَبُوا = باید بروند
(مذکر)



10. فعل نهی (امر منفی) (برای هر 14 صیغه مضارع) (غائب و مخاطب)

لا + فعل مضارع (مجزوم)

تذهبون (مخاطب): لاتذهبوا =

نروید

یذهبون (غائب):

لایذهبوا = نباید بروند



تذکر

در ترجمه فعل نهی اگر برای صیغه های غائب باشد از واژه
« نباید » استفاده می کنیم ولی در صیغه های مخاطب اجازه
استفاده از « نباید » وجود ندارد



ل + فعل مضارع
(منصوب)



که، تا + مضارع التزامی
(معمولا وسط جمله می آید)

یذهبُ ← لیذهب: (که برود) - (تا برود)



تذکر

ن ← ن
ن ← ن ×
6 ← 12 و 6
12 و

منصوب

تفاوت های لِ (امر غائب) و لِ (مضارع منصوب) در همین همایش
های جمع‌بندی مطرح خواهد شد .

12. فعل نفی (منفی) (فقط منفی)

ما + فعل ماضی



ذهبوا ← ما ذهبوا = نرفتند

لا + فعل مضارع



یذهبون ← لا یذهبون =
نمی روند



13. فعل جحد (انکار) (منفی)

ماضی ساده منفی

ماضی بعید منفی

ماضی نقلی منفی

لَمْ / لَمَّا + فعل مضارع

(مجزوم)

ننوشت

ننوشته بود

ننوشته است

وقتی تنها بیاید (می نویسد)

ترجمه می شود. اما با حروف

جازه ی مربوط به صورت

لَمْ / لَمَّا +

يَكْتُبُ



تذکر

در ترجمه فعل جحد لَمْ و لَمَّا یکسان عمل می کنند فقط می توانیم
حرف لَمَّا را در معنی هنوز بکار ببریم



لَمَّا + فعل ماضی (هنگامیکه – وقتیکه)

لَمَّا وصلنا الى المنزل :

هنگامی که به خانه رسیدیم



لَمْ + فعل مضارع (حرف استفهام = چرا)

لَمْ يَكْتُبَ = چرا می نویسد؟



16. فعل استفهام (پرسشی)

أ ، هل + فعل ماضی و مضارع

أَحْسَبْتُمْ :

آیا پنداشته اید؟

أَيَذْهَبُ = هل يَذْهَبُ =

آیا می رود؟



17. فعل مستقبل (آینده)

سَنَ / سوف + فعل مضارع

سیذهب = سوف یذهب = خواهد رفت



آینده منفی



لن + فعل مضارع (منصوب)

لن يظلموا =

ظلم نخواهند کرد

لن + يكتب =

نخواهد نوشت



کہ + مضارع التزامی



اُن، کی + فعل مضارع (منصوب)

کی یکتب : کہ بنویسد

اُن یکتب : کہ بنویسد



تا + مضارع التزامی



حتى + فعل مضارع (منصوب)

حتى يكتبوا: تا بنویسند

حتى يكتب: تا بنویسد



حروف مشبّهه لَعْل و لیت + فعل مضارع



مضارع التزامی

لَعْل صدیقی یدرس :

امید است که دوستم درس بخواند

لیت صدیقی یدرس :

ای کاش دوستم درس بخواند



ماضی التزامی
ماضی بعید
ماضی استمراری

لعل / لیت + فعل ماضی

درس خوانده باشد
درس خوانده بود
درس می خواند

لیت صدیقی دَرَسَ



23. جملات شرطی

جواب شرط

مضارع اخباری

فعل شرط

مضارع التزامی

إِنْ - مَنْ - مَا - إِذَا

یَنجَحُ (مَجْزُوم)

موفق می شود

یَجْتَهِدُ (مَجْزُوم)

تلاش میکند

مَنْ

هر کس



24. فعل مجهول ماضی با صرف « شد » ترجمه میشود

عین الفعل را کسره و حروف متحرک قبلی را ضمه می دهیم .

— عین الفعل

كَتَبَ ← كُتِبَ اِكْتَسَبَ ← اُكْتُسِبَ

نوشت ← نوشته شده بدست آورد ← بدست آورده شد

الذين قد عرفوا باخلاقهم الكريمة: کسانی که به اخلاق کریمشان شناخته شده اند

25. فعل مجهول مضارع با صرف « شود » ترجمه می شود

عين الفعل را فتحه و حرف مضارعة را ضمه می دهیم . عين الفعل

مجهول
يَكْتُب -- -- يَكْتُب -- -- نوشته می شود

مجهول
يَكْتُسِب -- -- يَكْتُسِب -- -- بدست آورده می شود

فی انتهای ممر مدرستنا نافذة تُفَتِّحُ علی منظر جمیل

در انتهای راهرو مدرسه ما پنجره ای است که به منظره ای زیبا باز می شود



26. باب افعال

أَفْعَل – يَفْعَل – اِفْعَال

باب افعال و تفعیل برای متعددی کردن بکار می روند یعنی فعل هایی که در این دو باب هستند باید مفعول داشته باشند (جواب چه چیزی را – چه کسی را)

نَزَلَ: پایین آمد
أَنْزَلَ: پایین آورد

ذَهَبَ: رفت
أَذْهَبَ: بُرَد



27. باب استفعال

تَفَاعَلَ – يَتَفَاعَلُ – تَفَاعُلٌ

باب تفاعل برای مشارکت دو طرفه استفاده می شود و از واژه هایی مانند (بایکدیگر، باهم) استفاده می کنیم

يَتَعَامَلُ العلماءُ : دانشمندان بایکدیگر داد و ستد می کنند



28. باب استفعال

إِسْتَفْعَال

يَسْتَفْعَل

إِسْتَفْعَل

باب استفعال برای طلب و درخواست بکار می رود

إِسْتَعْفَرَ: طلب بخشش کرد

عَفَرَ: بخشید



اسم اشاره مفرد ترجمه می
شود



اسم اشاره + اسم ال
دار (مشار الیه)

هؤلاء المومنون = این مومنان



اسم اشاره در صیغه
خودش ترجمه می شود



اسم اشاره + اسم بدون الـ

هؤلاء مؤمنون = اینها مومنانی



(31) اسم نکرہ را به 3 صورت ترجمہ می کنیم

1) پیامبری به سوی فرعون فرستادیم

2) یک پیامبر به سوی فرعون فرستادیم

3) یک پیامبری به سوی فرعون فرستادیم

ارس لنا الی فرعون رسولا

نکرہ



اگر در جمله ابتدا یک اسم بصورت نکره و سپس همان اسم بصورت معرفه به ال تکرار شود می توانیم قبل از اسم دوم از واژه (این ، آن) استفاده کنیم



شاهدتُ اشجاراً فی الغابة الاشجار كانت نضرة
 نکره معرفه به ال

درختانی در جنگل دیدم آن درختان ترو تازه بودند

33) اگر اسم نکره در جمله نقش خبر بپذیرد بصورت نکره ترجمه نمی شود

کنز

خبر نکره و

العلم

مبتدا

مرفوع

فائز

خبر نکره و مرفوع

فریقنا

اسم معرفه. مرفوع. ابتدا

دانش گنج است

تیم ما برنده است



34) اگر بعد از خبر صفت بیاید خبر بصورت نکره ترجمه می شود

هذا

مبتدا

صفت

كتاب

خبر نکره

مفيد

این کتابی مفید است

هو

مبتدا

صفت

تلميذ

خبر نکره

ناجح

او دانش آموزی موفق است



جمله وصفیه

هرگاه بعد از اسم نکره یک فعل بیاید آن فعل را
جمله وصفیه گوئیم

اسم نکره



فعل (جمله وصفیه)



جار و مجرور

در ترجمه جمله وصفیه بعد از اسم نکره، حرف ربط که قرار می دهیم و سپس فعل
را ترجمه می کنیم

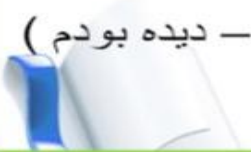
ارضاء الناس غاية لا تُدرَك: راضی ساختن مردم هدفی است که بدست آورده نمیشود
نکره جمله وصفیه

رایتُ رجلاً یمشی بسرعة: مردی را دیدم که به سرعت را می رفت
نکره جمله وصفیه



اگر فعل جمله که اسم نکره در آن است ماضی باشد و فعل جمله وصفیه هم ماضی باشد آنگاه فعل جمله وصفیه را بصورت ماضی ساده و یا ماضی بعید ترجمه می کنیم

ماضی + اسم نکره + ماضی ← ماضی ساده یا ماضی بعید


 اشتريٲ ماضى اليوم كتاباً نكره رايٲه من قبل : امروز كتابى را خريدم كه از قبل (ديدم - ديده بودم) جمله وصفيه (نكره)

اگر فعل جمله که اسم نکره در آن ماضی است و جمله وصفیه هم فعلش مضارع باشد آنگاه مضارع را ماضی استمراری ترجمه می کنیم

ماضی + اسم نکره + مضارع → ماضی استمراری

فَتَشَتْ

عن

کتاب

یساعدنی :

دنبال کتابی گشتم که به من کمک می کرد

ماضی

نکره

جمله وصفیه
(مضارع)

ماضی استمراری

اگر فعل جمله که اسم نکره در آن است مضارع و جمله وصفیه هم فعلش مضارع باشد آنگاه مضارع را مضارع التزامی ترجمه می کنیم

مضارع + اسم نکره + مضارع ← مضارع التزامی

يُحاول في بلادنا رجال يُحصلون على العلوم الحديثه

مضارع

نکره

جمله وصفیه
(مضارع)

مردانی در کشور ما تلاش می کنند که به دانش های جدید دست یابند

حرف جر مِنْ



اسم تفضیل



اسم تفضیل با پسوند تر ترجمه می شود

انّ التواضع أ نفع من العُجب : براستی فروتنی سودمندتر از خود پسندی است

مضاف اليه
(اسمی مجرور)



اسم تفضیل

اسم تفضیل با پسوند ترین ترجمه می شود

الله: آفتاب پرست از عجیب ترین مخلوقات خداوند است

مخلوقات

مضاف اليه
اسمی مجرور

أعَجَب

اسم
تفضیل

الهرباء

الامور خير : اوسطها : بهترين كار ها ميانه ترين آن ها است
اسم تفضيل مضاف اليه

العادة ثمره العمل الخير : خوشبختي نتيجه كار خوب است

فاعلموا من خير يعلمه الله : هر آنچه از خوبي انجام دهيد خدا آن را ميداند

واژه علیک به معنای بر تو لازم است برای نشان دادن اجبار و الزام در ترجمه مورد استفاده قرار می گیرد

خواستن علم بر تو لازم است

تو باید علم را طلب کنی

علیک بطلب العلم



واژه هُناک در ابتدای جمله گاهی معنای وجود دارد می دهد و دیگر آنجا ترجمه نمی شود



هناک امراض روحیه توثر علی عمل الانسان
نکره جمله وصفیه

مريضی های روحی وجود دارد که بر عمل انسان تاثیر می گذارد

44. بعضی از افعال اگر حروف علی و ب بعدشان حتی با فاصله قرار گیرند ترجمه ای متفاوت پیدا می کنند

قام التلامیذ احتراماً للمعلم : دانش آموزان برای
احترام معلم برخاستند

قام : برخاست

يقوم التلميذ باداء واجبههم : دانش آموزان به انجام
تکالیفشان اقدام می کنند

قام ب :
اقدام کرد به...

يقوم الاسلام على اساس الاخلاق: اسلام بر پایه
اخلاق استوار است

قام علی:.....
بر...استوار بود



